

Multifaceted Conflict Resolution Methodology¹

Belal Shakeri

Member of the faculty of the Khorasani Akhund Specialized Center and lecturer at the higher levels of the seminary. Mashhad-Iran. E-mail: B.Shakeri@bou.ac.ir

 <https://orcid.org/0000-0001-5017-1551>

Receiving Date: 2024-03-02; Approval Date: 2024/12/18

Abstract

In cases where multiple pieces of evidence are in conflict, resolving disputes involving more than two sources of reasoning is particularly challenging. Traditionally, prominent Uṣūlīyīn have evaluated such conflicts by analyzing relationships in pairs, similar to how they approach conflicts between two reasons. Some scholars, such as Mullā Aḥmad Narāqī, have advocated for an alternative method known as *Inqlilāb al-Niṣbah*, which considers various types of relationships when resolving conflicts

By examining, analyzing, and comparing these two approaches in a jurisprudential issue influenced by five different categories of narrations, this study demonstrates that both methods encounter significant challenges. The conventional approach faces two major

1. Shakeri. B (2025). "Multifaceted Conflict Resolution Methodology". *Methodology of Islamic Studies*. p.p: 7-32.  10.22081/MIS.2024.68671.1045



This Article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

issues: conflicts in results and sequencing. Similarly, the method of *Inqlilāb al-Niṣbah* also encounters two problems: conflicts in results and *Tarjīḥ Bilā Murajjah* (preference without a superior criterion).

To address these challenges, this study proposes a multifaceted conflict resolution theory, which establishes specific criteria and a logical process for their implementation. This approach effectively resolves conflicts among multiple pieces of evidence while avoiding the shortcomings of previous methods. Furthermore, the proposed methodology is fully applied to the jurisprudential issue under discussion.

Keywords: Methodology of Uṣūl, Inqlilāb al-Niṣbah, Multifaceted Conflict, Evaluative Comparison of Conflicting Evidence.

روش‌شناسی حلّ «تعارضات چندوجهی»^۱

بلال شاکری 

مدرس سطوح عالی حوزه علمیه مشهد و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آخوند خراسانی ره. مشهد-ایران.

رایانامه: b.shakeri@iran.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸



روش‌شناسی
حلّ «تعارضات
چندوجهی»

۱۳

چکیده

در تعارض بین ادله، یکی از مشکل‌ترین موارد، حل تعارض میان بیش از دو دلیل است. مشهور اصولیان در چنین مواردی همچون تعارض دو دلیل، به سنجش رابطه‌ها به صورت دو به دو پرداخته‌اند. برخی همچون ملا احمد نراقی براساس روش مشهور به انقلاب نسبت، به سنجش بین ادله متعارض پرداخته و در حل تعارض به انواع رابطه‌ها نظر داشته است. در پژوهش پیش‌رو با بررسی، تحلیل و تطبیق این دو روش در مسئله‌ای فقهی که مبتلای به پنج دسته روایت متفاوت است، ادعا می‌شود هر دو روش با مشکل مواجه‌اند. روش مشهور با دو اشکال عمده تعارض نتایج و تسلسل، و انقلاب نسبت با دو اشکال تعارض نتایج و ترجیح بلامرجح روبرو هستند. برای رفع این اشکالات، نظریه حل تعارضات چندوجهی ارائه شده است که با شناسایی ضابطه‌های مشخص و سیر منطقی در اجرایی سازی آن‌ها، توانسته است به حل تعارض بین ادله متعارض متعدد پرداخته و با مشکلات مطرح شده مواجه نشود. این روش حل تعارض نیز در مسئله فقهی مطرح شده، به صورت کامل تطبیق داده شده است.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی اصول، انقلاب نسبت، تعارضات چندوجهی، نسبت‌سنجی ادله متعارض.

۱. شاکری، بلال (۱۴۰۳). روش‌شناسی حلّ «تعارضات چندوجهی». دوفصلنامه روش‌شناسی علوم اسلامی، ۱: ۱۰-۷.

مقدمه

یکی از دغدغه‌های اصلی هر فقیهی، حل تعارض بین ادله احکام است. تعارض بین ادله ممکن است بین دو دلیل صورت پذیرد که سخن از حل تعارض در این موارد فراوان گفته شده است. اما گاه به علت مواجهه با چندین دلیل متعارض، حل تعارض با پیچیدگی‌ها و غوامضی مواجه شده، فقیه در مقام استنباط با تعارض چندوجهی مواجه می‌شود. هرچه اطراف تعارض چندوجهی بیشتر شود، پیچیدگی حل تعارض بیشتر و سنجش رابطه‌ها سخت‌تر می‌شود.

نحوه مواجهه فقها با تعارض چندوجهی در طول تاریخ به دو گونه بوده است. روشی که به انقلاب نسبت مشهور شده است و روش مقابل آن.^۱ اما به نظر می‌رسد آنچه از روش انقلاب نسبت در سخنان اصولیان مشهور و متداول شده است و همچنین روش مقابل آن (در این پژوهش به آن روش مشهور گفته خواهد شد)، با اشکالاتی مواجه است. این اشکالات تا در یک نمونه عینی با اطراف متعدد متعارض^۲ پیاده‌سازی نشود، مطلب روشن نخواهد شد.

روشن‌شناسی

علوم اسلامی

سال اول، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۴

۱۴

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: شاکری و فخری و حائری، ۱۳۹۹، ۲۴/۳۳-۶۴.

۲. نسبت به ذکر و تطبیق نمونه فقهی مطرح‌شده در این نوشتار، باید به نکاتی توجه داشت: ۱- آنچه مدنظر است تطبیق و تحلیل روش‌های حل تعارض مطرح در علم اصول در فرع فقهی است، به عبارتی بحث علی‌القاعده پیش رفته است، هرچند ممکن است در فقه به این جزئیات تصریح یا توجه نشده باشد، اما نتیجه مبنای اصولی فقیه علی‌القاعده در فرع مدنظر باید چنین باشد: ۲- نوشته حاضر در مقام بررسی یک مورد و فرع فقهی خاص برای ارائه نتیجه نهایی و فتوا تدوین نشده است؛ بلکه در مقام مقایسه سه روش حل تعارض در موارد تعارضات چندوجهی است، تا نشان دهد، هر یک از سه روش مذکور به چه نتیجه‌ای منتهی می‌شود. لذا تمرکزی بر بررسی همه جانبه فرع فقهی مذکور نداشته است؛ ۳- در این پژوهش به مباحث دلالتی ادله پرداخته نشده است و فرض بر پذیرش دلالت روایات است؛ ۴- با توجه به محدودیت پژوهش در مقالات علمی و رعایت استاندارد حجمی مقاله، تنها ادله روایی مطرح در مسئله بررسی شده است و چنانچه در مسئله ادله قرآنی یا سایر ادله نیز جاری باشد، بر تعداد احتمالات مطرح افزوده که بررسی آنها از حوصله و استاندارد حجمی مقاله خارج بوده و دخالت آنها اشکال روش‌های مدنظر را بیشتر نمایان می‌کند، نه اینکه بر رفع مشکل اثرگذار باشد؛ ۵- این نوشتار در پی نشان دادن اشکال روش‌های موجود است و هیچ‌گاه ادعا نداشته در تمام موارد تعارضات چندوجهی ممکن است چنین حالت‌هایی و اختلافاتی رخ دهد؛ بلکه در مقام نشان دادن این است که روش مشهور یا انقلاب نسبت در مواردی می‌تواند با چنین چالش‌هایی مواجه شود، درحالی که روش حل تعارضات چندوجهی از این اشکالات مبرا است. لذا نوشتار براساس فروض ممکن مطرح شده است؛ البته این به معنای غفلت از کلمات فقها و عدم مراجعه بدان‌ها نبوده، چنانچه برای مطالعه بیشتر به موارد مختلفی ارجاع شده است، که نشان می‌دهد حتی بین قائلان به یک روش، در نتیجه تفاوت‌هایی وجود دارد که ناشی از عدم توجه به تمام نسبت‌های موجود است.

بنابراین در پژوهش حاضر به تبیین و تطبیق سه روش^۱ در حل تعارضات چندوجهی پرداخته می‌شود تا خلأ روش‌های دوگانه مطرح در علم اصول مشخص شده، در نهایت راهکار و روش صحیح حل چنین تعارضاتی بیان شود.

صحت ازدواج با اهل کتاب

از جمله فروع فقهی معرکه آرای فقیهان، مسئله ازدواج با اهل کتاب است؛ به گونه‌ای که درباره حکم ازدواج با زن کتابی، شش دیدگاه بین فقها مطرح شده است: ۱- حرمت مطلق؛ ۲- جواز مطلق؛ ۳- جواز ازدواج موقت در حال اختیار و ازدواج دائم در حال اضطرار؛ ۴- عدم جواز ازدواج و جواز ملک یمین؛ ۵- جواز ازدواج موقت و ملک یمین و عدم جواز ازدواج دائم؛ ۶- عدم جواز ازدواج در حال اختیار و جواز آن در حال اضطرار و ملک یمین.^۲

منشأ و علت اختلاف نظر بین فقها، وجود ادله روایی متعدد و متفاوت در این باره است. بررسی روایات ناظر به مسئله نشان‌دهنده وجود پنج دسته روایت مختلف است:

۱. برخی روایات به صورت مطلق چنین ازدواجی را جایز نمی‌دانند؛^۳

۲. برخی دیگر جواز ازدواج را به صورت مطلق ثابت می‌کنند؛^۴

روش‌شناسی
حل «تعارضات
چندوجهی»

۱. روش مشهور؛ روش انقلاب نسبت و روش مختار (نظریه حل تعارضات چندوجهی).
نظریه مختار با انقلاب نسبت تفاوت‌هایی دارد، از جمله اینکه این نظریه به عنوان روش حل تعارض شامل موارد تعارض غیرمستقر و مستقر شده و در تمام مراحل از تعارضات بدوی و موارد جمع عرفی تا تعارضات مستقر را شامل می‌شود. نتیجه آن، گاه تبدیل تعارض غیرمستقر به مستقر و گاه بالعکس است. پیش‌فرض‌ها و مبانی مختلف در اصل اجرای آن تأثیر ندارد، اگرچه در خصوصیات و جزئیات آن ممکن است مؤثر واقع شود. (برای مطالعه بیشتر درباره جزئیات دیدگاه مختار، ر.ک: فخلعی و شاکری و حائری، ۱۳۹۹، ۲۴/۳۳-۶۴؛ شاکری، بلال، ۱۳۹۶، ۶/۲۹-۴۴؛ شاکری و فخلعی و حائری، ۱۴۰۲، ۱۴/۷-۳۸).

۲. ر.ک: روحانی، ۱۴۱۲ق، ۲۱/۴۳۰ به بعد.

۳. صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام: «سَأَلْتُهُ عَنْ نِكَاحِ الْغَرَبِ أَوْ تَوَكَّلَ ذِيَابَهُمْ فَقَالَ كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام يَنْهَى عَنْ ذِيَابِهِمْ وَ عَنْ صَيْدِهِمْ وَ عَنْ مَنَاقِحِهِمْ». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۹/۶۵-۶۶) محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره ذبیحه مسیحیان عرب پرسید، حضرت فرمودند: امام علی علیه السلام از ذبیحه، صید و ازدواج با آنها منع کرده است.

۴. موثق محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام: «سَأَلْتُهُ عَنْ نِكَاحِ الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ كَانَ تَحْتَ طَلْحَةَ بْنِ عُثَيْبٍ عليه السلام عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷/۲۹۸) محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره ازدواج با زن یهودی و مسیحی پرسید، حضرت فرمودند: اشکالی ندارد. آیا نمی‌دانی که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همسر طلحه یهودی بود.

۳. گروهی حکم به جواز چنین ازدواجی در حال ضرورت داده‌اند؛^۱
۴. دسته چهارم، ازدواج موقت با اهل کتاب را جایز شمرده‌اند؛^۲
۵. پنجمین گروه از روایات واردشده، ازدواج با مستضعف‌های زنان اهل کتاب را جایز دانسته‌اند.^۳

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بین روایات پنج‌گانه سه نوع رابطه متفاوت وجود دارد: ۱- رابطه تباین، بین روایات دسته اول و دوم؛ ۲- رابطه عموم و خصوص مطلق، بین سه دسته اخیر با دو دسته اول؛ ۳- رابطه عموم من وجه، بین سه دسته اخیر (مفهوم هر یک از سه دسته اخیر نافی منطوق فرض‌های دیگر است، لذا در ماده اجتماع با دو دسته دیگر تعارض دارد.)

روش سنجش و حل تعارض

چنان‌که بیان شد، برای سنجش و حل تعارض ادله پنج‌گانه، سه روش قابل طرح است. در ادامه ضمن توضیح مختصر هر روش، خروجی روش مذکور به لحاظ حکم فقهی بیان می‌شود. سپس خروجی ارائه‌شده، تحلیل و بررسی می‌شود تا در نهایت روش صحیح سنجش و حل تعارض از بین روش‌های سه‌گانه، معرفی شود.

روش‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۱
بهار و تابستان ۱۴۰۴
۱۶

۱. موثقه حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْأَسِيرِ هَلْ يَتَزَوَّجُ فِي دَارِ الْحَرْبِ فَقَالَ أَكْرَهُ ذَلِكَ لَهُ فَإِنْ فَعَلَ فِي بِلَادِ الرُّومِ فَلَيْسَ بِحَرَامٍ وَهُوَ نِكَاحٌ وَأَمَّا التُّزُكُّ وَالْعَزْرُ وَالذَّيْلُ فَلَا يَحِلُّ لَهُ ذَلِكَ». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱۵۲/۶)

حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا شخص اسیر می‌تواند در دارالحرب ازدواج کند؟ امام فرمودند: از آن اکراه دارم، اگر در سرزمین روم آن را انجام دهد حرام نیست و ازدواج محسوب می‌شود ولی در سرزمین ترک و خزر و دیلم جایز نیست.

۲. صحیحہ اشعری از امام رضا علیه السلام: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَمَتَّعُ مِنَ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ قَالَ لَا أَرَى بِذَلِكَ بَأْسًا». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲۵۶/۷)

اشعری از امام رضا علیه السلام درباره مردی که زن یهودی و مسیحی را عقد موقت کرده بود، سؤال پرسید، حضرت فرمودند: اشکالی در آن نمی‌بینم.

۳. صحیحہ زراره از امام باقر علیه السلام: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ نِكَاحِ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ قَالَ لَا يَصْلُحُ لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَنْكِحَ يَهُودِيَّةً وَلَا نَصْرَانِيَّةً إِمَّا يَحِلُّ مِنْهُنَّ نِكَاحُ الْبُتْلَةِ». (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱۸۰/۳)

زراره از امام باقر علیه السلام درباره ازدواج با یهودی و مسیحی سؤال کرد، امام پاسخ دادند: صلاح نیست که مسلمان با زن یهودی و مسیحی ازدواج کند، تنها ازدواج با مستضعفین فکری آنها جایز است.

روش مشهور (سنجش دو به دو)

مشهور اصولیان قائل اند در موارد تعارض چندوجهی، مانند تعارض دو دلیل عمل می‌شود؛ یعنی، رابطه ادله به صورت دو به دو و بدون توجه به سایر ادله سنجیده شده، قواعد باب تعارض جاری و حکم مسئله استخراج می‌شود.^۱ نتیجه چنین سنجشی باتوجه به تعداد روایات متعارض، بررسی بیش از ۲۰ نوع رابطه متفاوت بین ادله است که هر یک ممکن است خروجی متفاوتی به لحاظ حکم شرعی داشته باشد. شرح این سنجش‌ها و احکام مستخرج از آن به شرح ذیل است:^۲

۱. درباره چگونگی برخورد بین دو دلیل متعارض چند مبنای مختلف وجود دارد. برخی قائل به لزوم ترجیح هستند؛ برخی قائل به تخییر و گروهی توقف یا تساقط^۳ را برگزیده‌اند. بنابر دو مبنای اول، در صورت ترجیح یا انتخاب دسته اول، نتیجه عدم جواز ازدواج با کتابی به صورت مطلق است؛ و در صورت عکس، چنین ازدواجی جایز خواهد بود؛ و در صورت تساقط یا توقف، باید به دلیل دیگر یا اصل در مسئله مراجعه کرد. باوجود سه دلیل دیگر که رابطه عموم من وجه نیز دارند، تحلیل و استنباط حکم منوط به جریان قاعده‌ها بین آن‌ها می‌شود.

۲. باتوجه به رابطه عموم مطلق بین دسته اول و دوم با دسته سوم تا پنجم، تعارض مستقری بین آنها وجود نداشته و دلیل عام مخالف (دسته اول) و عام موافق (دسته دوم) البته بنابر پذیرش تخصیص در متوافقی^۴ به وسیله دلیل خاص، تخصیص زده می‌شود. تخصیص نیز به دو صورت امکان دارد واقع شود:

هر یک از ادله سه گانه خاص، مستقل سنجیده شوند، در این صورت سه نتیجه متفاوت حاصل می‌شود: ۱- ازدواج با زن کتابی در حال ضرورت جایز است و در غیر آن جایز نیست؛ ۲- ازدواج دائم جایز نیست، به خلاف ازدواج موقت؛ ۳- ازدواج

روش‌شناسی
حل «تعارضات
چندوجهی»

۱۷

۱. ر.ک: خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۴۵۱-۴۵۳.

۲. برای مشاهده و مطالعه درباره برخی احتمال‌های مطرح‌شده در جمع بین دلیل‌ها، ر.ک: روحانی، ۱۴۰۷ق، ۴۳۹/۲۱-۴۴۲.

۳. ر.ک: انصاری، ۱۴۲۸ق، ۳۳/۴ و ۴۷.

۴. ر.ک: اسماعیل پور، ۱۳۹۵ق، ۴۱۳/۳.

با مستضعفین کتابی جایز است، ولی با غیر آن جایز نیست.

اما اگر ادله سه گانه به عنوان یک دلیل خاص محسوب شوند، بسته به اینکه عطف این سه مخصص به صورت «واوی» در نظر گرفته شود یا «اوی»، نتیجه متفاوت می شود. عطف به «او» نتیجه اش جواز ازدواج در هر سه حالت است، یعنی ازدواج به کتابی در فرض ضرورت یا به صورت ازدواج موقت یا با مستضعف از آنها جایز است؛ اما اگر عطف به «واو» باشد، تجمع هر سه مخصص برای حکم به جواز لازم است، لذا جواز ازدواج تنها با مستضعف آن هم به صورت موقت و تنها در صورت ضرورت جایز می شود. اما اگر تخصیص در متوافقین پذیرفته نشود، بلکه خاص حمل بر استحباب شود،^۱ ازدواج با کتابی مطلقاً جایز است، هر چند حصول چنین ازدواجی با وجود هر یک از سه مورد خاص یا تجمع آنها، بهتر است و ترک چنین ازدواجی در غیر صور مذکور، اولی است.

۳. سنجش رابطه سه دلیل آخر با یکدیگر که بینشان عموم من وجه^۲ برقرار است،

۱. ر.ک: سبزواری، ۱۴۲۳ق، ۷۰۹/۱؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ۴۳۵/۱۷؛ اراکی، ۱۳۷۵، ۴۷۲/۲، ۴۷۳؛ مؤمن قمی، ۱۴۱۹ق، ۵۱۴-۵۱۵، قمی، ۱۴۲۸ق، ۱۸۹/۱؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ۱۹۰/۲؛ جابلقی، بی تا، ۱/۱۷۳ و ۲/۳۰۹؛ موسوی قزوینی، ۱۳۷۱ق، ۲۵۲؛ حیدری، ۱۴۱۲ق، ۱۶۹؛ کرباسی، بی تا، ۳۸۸.

۲. چنانچه بیان شد بین مفهوم هر یک با منطوق دیگری تعارض است. تصویر تعارض به شرح ذیل است:
بین دلیل سه و چهار: مسئله دو فرض دارد: ۱- تعارض مفهوم دلیل سوم با منطوق دلیل چهارم (ماده افتراق دلیل سوم: عدم جواز ازدواج دائم غیر ضروری: ماده افتراق دلیل چهارم: جواز ازدواج موقت ضروری: ماده اجتماع: ازدواج موقت غیر ضروری)؛ ۲- تعارض منطوق دلیل سوم با مفهوم دلیل چهارم (ماده افتراق دلیل سوم: جواز ازدواج موقت ضروری: ماده افتراق دلیل چهارم: عدم جواز ازدواج دائم غیر ضروری: ماده اجتماع: ازدواج دائم ضروری).
بین دلیل سوم و پنجم: دو فرض مسئله بدین شرح است: ۱- تعارض مفهوم دلیل سوم با منطوق دلیل پنجم (ماده افتراق دلیل سوم: عدم جواز ازدواج غیر ضروری با غیر مستضعف: ماده افتراق دلیل پنجم: جواز ازدواج ضروری با مستضعف: ماده اجتماع: ازدواج غیر ضروری با مستضعف)؛ ۲- تعارض منطوق دلیل سوم با مفهوم دلیل چهارم (ماده افتراق دلیل سوم: جواز ازدواج ضروری با مستضعف: ماده اجتماع: ازدواج غیر ضروری با غیر مستضعف).
بین دلیل چهارم و پنجم: در تعارض مفهوم و منطوق این دو دسته نیز ماده افتراق و اجتماع تصویر شده به دو صورت زیر است: ۱- تعارض مفهوم دلیل چهارم با منطوق دلیل پنجم (ماده افتراق دلیل پنجم: عدم جواز ازدواج دائم با غیر مستضعف: ماده افتراق دلیل پنجم: جواز ازدواج موقت با مستضعف: ماده اجتماع: ازدواج دائم با مستضعف)؛ ۲- تعارض منطوق دلیل چهارم با مفهوم دلیل پنجم (ماده افتراق دلیل چهارم: جواز ازدواج موقت با مستضعف: ماده افتراق دلیل پنجم: عدم جواز ازدواج ضروری با غیر مستضعف: ماده اجتماع: ازدواج موقت با غیر مستضعف).

بستگی به پذیرش یا انکار قاعده تبیض در حجیت دارد.^۱ در صورت پذیرش قاعده تبیض در حجیت، هر یک از دو دلیل در ماده افتراق حجت‌اند؛ لذا احکام زیر از سنجش سه رابطه به دست می‌آید: ۱- جواز ازدواج موقت ضروری و عدم جواز ازدواج دائم غیر ضروری؛ ۲- عدم جواز ازدواج غیر ضروری با غیر مستضعف و جواز ازدواج ضروری با مستضعف؛ ۳- عدم جواز ازدواج دائم با غیر مستضعف و جواز ازدواج موقت با مستضعف.

نسبت به ماده اجتماع هر یک از دو دلیل، تعارض مستقر شکل می‌گیرد؛ لذا دلیل سوم و چهارم در ازدواج موقت غیر ضروری و ازدواج دائم ضروری؛ دلیل سوم و پنجم در ازدواج غیر ضروری با مستضعف و ازدواج ضروری با غیر مستضعف؛ و دلیل چهارم و پنجم در ازدواج دائم با مستضعف و ازدواج موقت با غیر مستضعف، متعارض بوده و باید به مبانی و قواعد باب تعارض رجوع کرد.

نتیجه این قواعد و مبانی بدین شرح است: ۱- مطابق ترجیح یا انتخاب دسته سوم در برابر دسته چهارم، حکم به عدم جواز ازدواج موقت غیر ضروری و جواز ازدواج دائم ضروری می‌شود؛ در صورت عکس، حکم به جواز ازدواج موقت غیر ضروری و عدم جواز ازدواج دائم ضروری می‌شود؛ ۲- در صورت ترجیح یا انتخاب دسته سوم نسبت به دسته پنجم، حکم به عدم جواز ازدواج غیر ضروری با مستضعف و جواز ازدواج ضروری با غیر مستضعف می‌شود؛ در صورت عکس، حکم به جواز ازدواج غیر ضروری با مستضعف و عدم جواز ازدواج ضروری با غیر مستضعف می‌شود؛ ۳- در صورت انتخاب یا تقدیم دسته چهارم بر دسته پنجم، حکم به عدم جواز ازدواج دائم با مستضعف و جواز ازدواج موقت با غیر مستضعف شده؛ در صورت عکس، حکم به جواز ازدواج دائم با مستضعف و عدم جواز ازدواج موقت با غیر مستضعف می‌شود؛ در تمام سه صورت بنابر تساقت یا توقف نیز باید به سایر دلایل‌های موجود در مسئله یا اصل مراجعه کرد.

اما چنانچه قاعده تبیض در حجیت مورد پذیرش نباشد، حکم ماده اجتماع و

افتراق مانند حکم مادهٔ اجتماع در حالت قبل است، یعنی تعارض مستقر بین هر یک از دو دسته برقرار بوده و مطابق با انتخاب یا ترجیح هر یک از دودسته یا براساس رجوع به سایر دلیل‌ها یا اصل در مسئله مشخص می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، با توجه به تنوع رابطه‌ها و مبانی مختلف اثرگذار نتیجه‌های مختلفی به دست می‌آید که این نتایج با یکدیگر تنافی دارند. برای حل تنافی و تعارض بین نتایج دو راهکار وجود دارد: ۱- تقدیم یک نتیجه بر سایر نتایج بدون هیچ ضابطه و قاعده‌ای، در این فرض مشکل ترجیح بلا مرجح به وجود می‌آید؛ ۲- سنجش این نتایج با یکدیگر، نتیجه این سنجش نیز حالت‌های مختلفی را پدید می‌آورد که آن نتایج نیز در سنجش‌های متفاوت، با یکدیگر اختلاف خواهند داشت، بنابراین به گفتهٔ ملا احمد نراقی منتهی به تسلسل می‌شود.^۱ بنابراین روش مشهور در حل تعارضات چندوجهی دچار اشکال بوده و در مقام عمل منتهی به تعارض نتایج، ترجیح بلا مرجح یا تسلسل خواهد شد.

روش انقلاب نسبت

روش دیگری که برای حل تعارضات چندوجهی به انقلاب نسبت مشهور شده است، بین اصولیان تقریبی به شرح ذیل به خود گرفته است:

در موارد تعارض بیش از دو دلیل ممکن است ادلهٔ متعارض در نسبت‌سنجی با یکدیگر یکی از نسب اربعه را دارا باشند. به عنوان مثال، دلیل «أکرم العلماء» با دلیل «لا تکرّم الفساق» رابطه تباین جزئی (عموم من وجه) دارند. دلیل سومی نیز وجود دارد که «لا تکرّم الفساق من العلماء»، رابطه این دلیل سوم با دلیل اول و دوم عموم مطلق است. اگر به وسیله دلیل سوم، دلیل اول تخصیص زده شود، نتیجه می‌شود «أکرم العلماء العدول»؛ که رابطه آن با دلیل دوم دیگر عموم من وجه نیست، بلکه این رابطه تغییر می‌یابد. این تغییر رابطه دلیل اول با دلیل دوم از عموم من وجه به عموم مطلق را انقلاب نسبت گویند. چون نسبت دو دلیل با لحاظ دلیل سوم تبدل و تغییر

روش‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۱
بهار و تابستان ۱۴۰۴
۲۰

۱. نراقی، ۱۳۷۵، ۳۵۱-۳۵۲.

یافت و منقلب شد؛ اما اگر این نسبت سنجی بدین صورت متغیر لحاظ نشود و همان نسبت ابتدایی بین ادله سنجیده شود (روش مشهور)، نتیجه متفاوت خواهد بود، چون موجب تعارض بین دلیل اول و دوم شده که باید قائل به ترجیح یا تساقط و دیگر اقوال مطرح درباره ادله متعارض شد.^۱

براساس این روش، چندین احتمال در سنجش بین دلیل‌ها قابل تصور است که به برخی از آن‌ها در کلمات فقها اشاره شده است.^۲ در این روش نیز همچون روش مشهور در حل تعارض، حالت‌های متعدد فراوانی قابل تصویر و ترسیم است. بلکه مشکل تعدد صور و احتمالات در این روش پررنگ‌تر است، چون براساس تنوع رابطه‌ها و تغییر رابطه‌ها که از تقدم و تأخر سنجش‌ها حاصل می‌شود، مجتهد در این روش با نزدیک به ۵۰ احتمال متفاوت روبروست. این احتمالات به شرح ذیل است:^۳

۱. ر.ک: کاظمی خراسانی، ۱۳۷۶، ۷۴۰-۷۴۷؛ واعظ حسینی بهسودی، ۱۴۲۲، ۴۶۴/۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷، ۲۸۸/۷؛ طباطبایی قمی، ۱۳۷۱، ۱۹۷/۳؛ خمینی، ۱۴۱۰، ۳۲/۲؛ لجنة تألیف القواعد الفقهية والأصولية التابعة لمجمع فقه اهل البيت، ۱۴۲۷، ۴۸۷.

۲. براساس هر یک از احتمال‌های ممکن در مسئله، یکی از دیدگاه‌های مطرح شده از سوی فقها و یا حتی دیدگاه‌های دیگری که در سخنان ایشان ارائه نشده است اثبات می‌شود. به عنوان مثال اگر ابتدا دسته اول با ادله خاص مقید شده و سپس نتیجه با دسته دوم سنجیده شود، ممکن است دسته اول با دسته سوم تقیید زده شود و سپس نتیجه موجب تقیید دسته دوم شود. نتیجه این سنجش، اثبات دیدگاه چهارم است؛ اما اگر دسته اول با دسته چهارم تقیید زده شود و نتیجه موجب تقیید دسته دوم شود، دیدگاه سوم ثابت می‌شود. چنانچه دسته اول با دسته پنجم مقید شده و نتیجه موجب تقیید دسته دوم شود، دیدگاهی ثابت می‌شود که ظاهراً قائلی ندارد. با تقیید دسته اول به وسیله دسته سوم و چهارم و سنجش دسته دوم با نتیجه به دست آمده، دیدگاه پنجم ثابت است. با تقیید دسته اول با سه دسته اخیر و تقیید دسته دوم با نتیجه حاصل شده، دیدگاه دیگری اثبات می‌شود که در بین دیدگاه‌های مطرح شده قائلی نداشت. اما در مسئله همچنان احتمال‌های دیگری مطرح است؛ مانند این که در متوافقی نیز قائل به تقیید باشیم که در این صورت امکان تقیید دسته دوم با سه دسته دیگر نیز وجود دارد که در این صورت نتیجه باید با دسته اول مورد سنجش قرار گیرد. علاوه بر اینکه با تقیید هر یک از دو دسته اول با هر یک از سه دسته دیگر، نیز رابطه آنها با ادله خاص دیگر نیز می‌تواند دستخوش تغییر شود که باید تمام این موارد نیز مورد ملاحظه قرار گیرد؛ بنابراین مشاهده می‌شود که احتمال‌های متعددی در مسئله براساس نظریه انقلاب نسبت قابل طرح است که هر یک می‌تواند مثبت دیدگاهی متفاوت از دیگری باشد. (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: روحانی، ۱۴۰۷، ۴۳۹-۴۴۲)

۳. همانطور که در بررسی روش مشهور بیان شد، مبانی و دیدگاه‌های مختلف نیز باعث ازدیاد صور و احتمالات در مسئله می‌شوند. با توجه به محدودیت حجمی مقاله و تنوع احتمالات مختلف، در این بخش تنها به ذکر صور احتمالات پرداخته شده و از تطبیق جزئی و بیان احکام خودداری می‌شود.

۱. سنجش رابطه تباین و سپس مقایسه نتیجه با سایر دلیل‌ها.

باتوجه به وجود دو رابطه عموم مطلق و من وجه نیز دو نوع سنجش در این مرحله قابل تصویر است:

۱-۱. پس از حل تعارض بین دو دلیل متباین یعنی دودسته اول، نتیجه با یکی از سه دلیل خاص مطلق سنجیده شده و سپس رابطه با دیگر دلیل‌ها مدنظر قرار گیرد:

۱-۱-۱. مقایسه نتیجه تعارض بین دو دلیل اول با دلیل سوم، سپس مقایسه با دلیل چهارم و بعد دلیل پنجم؛

۱-۱-۲. مقایسه نتیجه تعارض با دلیل سوم، بعد دلیل پنجم و درنهایت دلیل چهارم؛

۱-۱-۳. سنجش نتیجه اولیه با دلیل چهارم، مقایسه آن با دلیل سوم و بعد دلیل پنجم؛

۱-۱-۴. سنجش نتیجه اولیه با دلیل چهارم، مقایسه نتیجه با دلیل پنجم و درنهایت سنجش با دلیل سوم؛

۱-۱-۵. بررسی رابطه دلیل پنجم با نتیجه حاصل از حل تعارض دو دلیل اول، سنجش نتیجه با دلیل سوم و بعد دلیل چهارم؛

۱-۱-۶. بررسی رابطه دلیل پنجم با نتیجه حاصل از حل تعارض دو دلیل اول، مقایسه نتیجه با دلیل چهارم و درنهایت رابطه با دلیل سوم؛

۱-۱-۷. مقایسه سنجش اولیه با هر سه دلیل خاص.^۱

۲-۱. پس از حل تعارض بین دو دلیل اول، رابطه من وجه سه دلیل دیگر بررسی و دو نتیجه با یکدیگر مقایسه شود:

۱-۱-۱. حل تعارض سه دلیل من وجه (دسته‌های سوم، چهارم و پنجم) با یکدیگر و مقایسه نتیجه آن با نتیجه تعارض دو دلیل اول؛

۱-۱-۲. حل تعارض دلیل‌های من وجه به صورت دوه‌دو و مقایسه نتیجه با دلیل دیگر و درنهایت سنجش نتیجه حاصل شده با نتیجه رابطه دو دلیل اول:

الف) حل تعارض دلیل سوم و چهارم و مقایسه با دلیل پنجم و سنجش نتیجه نهایی با نتیجه سنجش دو دلیل اول؛

ب) حل تعارض دلیل سوم و پنجم و سنجش با دلیل چهارم و مقایسه نتیجه

۱. مقایسه با دو دلیل و سپس مقایسه نتیجه با دلیل باقیمانده نیز از دیگر احتمال‌های مطرح است که می‌توان در مسئله تصویر کرد.

به دست آمده با نتیجه سنجش دلیل اول و دوم؛
(ه) حل تعارض دلیل چهارم و پنجم و سنجش آن با دلیل سوم و بعد بررسی
رابطه این نتیجه با نتیجه سنجش دو دلیل ابتدایی.

۲. جمع بین دلیل های عام و خاص و سنجش سایر دلیل ها با نتیجه آن:

- ۱-۱. تخصیص دلیل اول با دلیل های خاص و مقایسه نتیجه با دلیل دوم:
- ۱-۱-۲. تخصیص دلیل اول با دلیل سوم، مقایسه با دلیل چهارم، بعد دلیل پنجم و
در نهایت سنجش نتیجه با دلیل دوم؛
- ۱-۱-۳. تخصیص دلیل اول با دلیل سوم، مقایسه با دلیل پنجم، بعد دلیل چهارم و
سنجش نتیجه با دلیل دوم؛
- ۱-۱-۴. تخصیص دلیل اول با دلیل چهارم، سنجش با دلیل سوم، سپس دلیل پنجم
و در نهایت دلیل دوم؛
- ۱-۱-۵. تخصیص دلیل اول با دلیل چهارم، سنجش با دلیل پنجم، بعد دلیل سوم
و سپس دلیل دوم؛
- ۱-۱-۶. تخصیص دلیل اول با دلیل پنجم، مقایسه با دلیل سوم، پس از آن مقایسه با
دلیل چهارم و در نهایت سنجش با دلیل دوم؛
- ۱-۱-۷. تخصیص دلیل اول با دلیل پنجم، سنجش با دلیل چهارم، بعد دلیل سوم و
در انتها مقایسه با دلیل دوم؛
- ۱-۱-۸. تخصیص دلیل اول با هر سه دلیل خاص و مقایسه نتیجه با دلیل دوم.
- ۱-۲. سنجش رابطه دلیل دوم با دلیل های خاص و مقایسه نتیجه با دلیل اول:
- ۱-۱-۱. تخصیص دلیل دوم با دلیل های خاص در صورت پذیرش تخصیص
متوافقین و مقایسه نتیجه با دلیل اول:
- الف) تخصیص دلیل دوم با دلیل سوم، مقایسه با دلیل چهارم، بعد دلیل پنجم
و در نهایت سنجش نتیجه با دلیل اول؛
- ب) تخصیص دلیل دوم با دلیل سوم، مقایسه با دلیل پنجم، بعد دلیل چهارم و
سنجش نتیجه با دلیل اول؛

روش‌شناسی
حل «تعارضات
چندوجهی»

ه) تخصیص دلیل دوم با دلیل چهارم، سنجش با دلیل سوم، سپس دلیل پنجم و در نهایت دلیل اول؛

ح) تخصیص دلیل دوم با دلیل چهارم، سنجش با دلیل پنجم، بعد دلیل سوم و سپس دلیل اول؛

ض) تخصیص دلیل دوم با دلیل پنجم، مقایسه با دلیل سوم، پس از آن مقایسه با دلیل چهارم و در نهایت سنجش با دلیل اول؛

غ) تخصیص دلیل دوم با دلیل پنجم، سنجش با دلیل چهارم، بعد دلیل سوم و در انتها مقایسه با دلیل اول؛

ک) تخصیص دلیل دوم با هر سه دلیل خاص و مقایسه نتیجه با دلیل اول.^۱
۱-۲. تأکید دلیل دوم با دلیل‌های خاص در صورت عدم پذیرش تخصیص متوافقی و سنجش نتیجه با دلیل اول.

۳-۱. حل تعارض بین دلیل هامن وجه و عرضه نتیجه به دست آمده به دلیل‌های دیگر:

۱-۱-۱. حل تعارض بین دلیل سوم و چهارم، مقایسه نتیجه با سایر دلیل‌ها:

الف) مقایسه نتیجه با دلیل پنجم، بعد دلیل اول و در نهایت دلیل دوم؛

ب) سنجش با دلیل پنجم، سپس دلیل دوم و در انتها مقایسه با دلیل اول؛

ج) سنجش با دلیل اول، بعد دوم، سپس دلیل پنجم؛

د) مقایسه با دلیل اول، بعد دلیل پنجم و در نهایت دلیل دوم؛

ه) مقایسه با دلیل دوم، بعد پنجم و در انتها دلیل اول؛

و) سنجش با دلیل دوم، سپس دلیل اول و بعد دلیل پنجم.

۱-۲. حل تعارض بین دلیل سوم و پنجم، بعد سنجش نتیجه با دیگر دلیل‌ها:

الف) مقایسه نتیجه با دلیل چهارم، بعد دلیل اول و در نهایت دلیل دوم؛

ب) سنجش با دلیل چهارم، سپس دلیل دوم و در انتها مقایسه با دلیل اول؛

ج) سنجش با دلیل اول، بعد دوم، سپس دلیل چهارم؛

د) مقایسه با دلیل اول، بعد دلیل چهارم و در نهایت دلیل دوم؛

ه) مقایسه با دلیل دوم، بعد چهارم و در انتها دلیل اول؛

۱. تخصیص با دو دلیل و بعد مقایسه نتیجه با سایر دلیل‌ها نیز از دیگر احتمالات مطرح است که می‌توان در مسئله تصویر کرد.

و) سنجش با دلیل دوم، سپس دلیل اول و بعد دلیل چهارم.

۱-۳. حل تعارض بین دلیل چهارم و پنجم، سپس مقایسه نتیجه با دلیل‌های باقی‌مانده:

الف) مقایسه نتیجه با دلیل سوم، بعد دلیل اول و در نهایت دلیل دوم؛

ب) سنجش با دلیل سوم، سپس دلیل دوم و در انتها مقایسه با دلیل اول؛

ج) سنجش با دلیل اول، بعد دوم، سپس دلیل سوم؛

د) مقایسه با دلیل اول، بعد دلیل سوم و در نهایت دلیل دوم؛

ه) مقایسه با دلیل دوم، بعد سوم و در انتها دلیل اول؛

و) سنجش با دلیل دوم، سپس دلیل اول و بعد دلیل سوم.

چنان‌که ملاحظه می‌شود در نسبت‌سنجی بین دلیل‌های وارد شده، بیش از ۴۰ سنجش مختلف محتمل است. هر یک از این سنجش‌ها می‌تواند منتهی به دیدگاهی خاص شود.^۱ حال سخن در این است که کدام یک از نسبت‌سنجی‌های محتمل باید بین ادله اتفاق بیافتد تا نتیجه و حکم فقهی به‌درستی استنباط شود؟ به‌طور قطع تمام احکام این نسبت‌ها نمی‌تواند مورد پذیرش باشد، چون در موارد مختلف بین نتایج حاصل شده نیز تعارض و تنافی برقرار است. تقدیم هر یک از نسبت‌سنجی‌های مطرح شده بدون دلیل و ضابطه مشخص، مبتلای به اشکال ترجیح بلا مرجح است، که یکی از قوی‌ترین اشکالات به نظریه انقلاب نسبت است و به دلیل همین اشکال است که مشهور اصولیان با این روش حل تعارض به مخالفت پرداخته‌اند.^۲

۱. بهترین شاهد بر تأثیرگذاری تقدم و تأخر هر یک از نسبت‌سنجی‌های مطرح شده، دیدگاه‌های مطرح شده در ابتدای مسئله است که هر دیدگاه نتیجه نوعی نسبت‌سنجی بین دلیل‌های متعارض است.

۲. ر. ک: هاشمی‌شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ۳۸۰/۴؛ واعظ‌حسینی بهسودی، ۱۴۲۲ق، ۴۶۴/۲؛ عبدالسائر، ۱۴۱۷ق، ۳۰۱/۹ و ۳۰۳ق، عراقی، ۱۴۲۰ق، ۴۸۳/۲؛ کاظمی خراسانی، ۱۳۷۶، ۷۴۳/۴؛ آشتیانی، بی‌تا، ۴۸۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق، ۱۹۱/۹؛ صافی، ۱۴۲۸ق، ۳۳۳/۳؛ فرحی، ۱۳۸۶ق، ۴۳۸؛ حائری‌یزدی، ۱۴۱۸ق، ۶۸۲-۶۸۳؛ خوبی، ۱۳۵۲، ۵۱۹/۲؛ تقوی‌اشتهاردی، ۱۴۱۸ق، ۵۰۴/۴ و ۵۰۵؛ اراکی، ۱۴۱۳ق، ۲۷۹-۲۸۰؛ عراقی، ۱۴۲۰ق، ۴۸۳/۲؛ طباطبایی قمی، ۱۳۷۱، ۱۹۹/۳.

البته در کنار اشکال ترجیح بلا مرجح، نسبت به انقلاب نسبت اشکال‌های متعدد دیگری نیز وارد شده است. برای مطالعه بیشتر، ر. ک: انصاری، ۱۴۲۸ق، ۱۰۴-۱۰۵؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۴۵۲؛ آشتیانی، بی‌تا، ۴۸۴؛ عراقی، ۱۴۲۰ق، ۴۸۲/۲؛ اصفهانی، ۱۳۷۴ق، ۴۱۰-۴۰۹/۳؛ حکیم، ۱۴۱۳ق، ۳۴۹/۷ و ۳۶۲؛ پاورقی؛ هاشمی‌شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ۲۹۱-۲۹۲؛ قدسی، ۱۴۲۸ق، ۵۱۲/۳؛ صافی، ۱۴۲۸ق، ۳۳۲-۳۳۳؛ مؤمن قمی، ۱۴۱۹ق، ۵۰۸/۲.

باتوجه به اشکال تعارض نتایج به دست آمده در دو روش مشهور و انقلاب نسبت و اشکال تسلسل در روش مشهور و اشکال ترجیح بلامرجح در روش انقلاب نسبت، باید هر دو رویکرد در حل تعارض چندوجهی را ناتمام دانست. اما راه برون رفت از اشکال و حل تعارض چیست؟ به نظر می توان براساس نظریه مختار تحت عنوان نظریه حل تعارضات چندوجهی (که در واقع تصحیح و تکمیل نظریه انقلاب نسبت است)، این مشکلات را برطرف کرد. در ادامه به تبیین و تطبیق نظریه مختار پرداخته می شود.

روش حل تعارضات چندوجهی (نظریه مختار)

نظریه روش حل تعارضات چندوجهی در حقیقت تکمیل، تدقیق و ضابطه مند کردن همان دیدگاه ملا احمد نراقی معروف به «انقلاب نسبت» است. وی این دیدگاه را بسیار مختصر و در گام های ابتدایی بیان کرده است و چنانچه ملاحظه شد براساس آنچه از این دیدگاه معروف و مشهور شده، اشکالات متعددی بدان وارد است. در نظریه روش حل تعارضات چندوجهی، روند تکاملی این دیدگاه پی گرفته شده و در کنار رفع نواقص آن، ضابطه های مشخصی برای اجرایی سازی نسبت سنجی بین ادله شناسایی و ارائه شده است تا مشکل ترجیح بلامرجح در تقدم نسبت سنجی ها مرتفع شود. علاوه بر اینکه استفاده از این روش منتهی به یک نتیجه مشخص شده و فقیه با چند نتیجه متعارض مواجه نخواهد شد. مطابق این روش، براساس ضابطه های شناسایی شده، دو دلیلی که ابتدا باید بین آنها نسبت سنجی انجام شود شناسایی شده براساس قواعد و ضوابط مشخص نتیجه سنجش بین آنها مشخص می شود؛ سپس نتیجه به دست آمده با دلیل بعد سنجیده شده، در صورت وجود دلیل چهارم نتیجه با آن سنجیده خواهد شد و این مسیر تا به اتمام رسیدن سنجش ادله متعارض ادامه خواهد یافت.^۱ ضابطه های تقدم و تأخر نسبت سنجی ها و ترتیب اجرای آنها عبارت اند از:^۲

روش شناسایی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۱
بهار و تابستان ۱۴۰۴
۲۶

۱. برای مطالعه بیشتر درباره این نظریه، ر.ک: فخلعی و شاکری و حائری، ۱۳۹۹، ۶۴-۳۳/۲۴؛ شاکری، ۱۳۹۶، ۴۴-۲۹/۶؛ شاکری، ۱۳۹۷، ۵۹/۱۱۵-۷۳.

۲. برای مطالعه بیشتر درباره ضابطه های بیان شده، ر.ک: شاکری، ۱۳۹۶، ۴۴-۲۹/۶.



براساس ضوابط شناسایی شده باید گفت:^۱

در گام نخست مشخص می‌شود، روایات موجود درباره حکم ازدواج با کتابی غیر از مشکل تعارض، با مشکل دیگری مواجه نیستند. در گام بعد مشخص می‌شود، ظهور بدوی نیز برای تمام دلیل‌ها شکل گرفته است؛ از حیث اطلاق و عموم نیز تفاوتی وجود نداشته و در مسئله دو دلیل مطلق در برابر دلیل‌های مقید وجود دارد؛ نوبت به اتصال و انفصال دلیل‌های مقید می‌رسد. در این گام با توجه به اینکه در دلیل سوم و پنجم، ابتدا حکم عدم جواز ازدواج بیان شده است و بعد مقید ذکر شده، مانند دلیل متصل است، لذا ابتدا باید رابطه این دو با دلیل اول سنجیده شود. علاوه بر این، این دو دلیل به لحاظ تقدم و تأخر زمانی نیز بر دلیل چهارم مقدم هستند. چون دسته پنجم مانند دسته اول و دوم از امام باقر علیه السلام نقل شده است، دسته سوم از امام صادق علیه السلام و دسته چهارم صادر شده از امام رضا علیه السلام است.

بنابراین ابتدا دلیل اول به وسیله دسته پنجم که متصل و به لحاظ صدور از یک معصوم علیه السلام صادر شده‌اند، سنجیده می‌شود؛ نتیجه این سنجش، عدم جواز ازدواج با کتابی مگر با مستضعفین آن‌هاست.

در ادامه این خروجی با دسته سوم سنجیده می‌شود؛ زیرا این دسته نیز در حکم متصل بوده و از حیث صدور، متأخر از دسته پنجم و مقدم بر دسته چهارم است. رابطه آن‌ها عموم من وجه است. در صورت پذیرش قاعده تبعیض در حجیت، تنها در ماده اجتماع قاعده‌های باب تعارض جاری شده و در ماده افتراق هر یک از دو دلیل معتبر و حجت‌اند. نتیجه این سنجش استخراج دو حکم عدم جواز ازدواج غیر ضروری با غیر مستضعف و جواز ازدواج ضروری با مستضعف، از ماده افتراق‌هاست.

نسبت به ماده اجتماع یعنی ازدواج غیر ضروری با مستضعف و ازدواج ضروری با

۱. لازم به ذکر است هر چند نتایج مختلف در ادامه منعکس می‌شود؛ اما علت این نتایج متفاوت تطبیق مبانی مختلف در حل تعارض است، وگرنه هر فقیه با مبانی متخذ خود عملاً با اجرایی‌سازی این شیوه حل تعارض به یک نتیجه مشخص و واحد خواهد رسید، برخلاف دو روش مشهور و روش انقلاب نسبت که نتایج متعدد از آن‌ها به دست می‌آید که در بسیاری موارد با یکدیگر در تعارض خواهند بود.

غیر مستضعف، باید به قاعده‌ها و مبانی مختلف در باب تعارض رجوع کرد: در صورت ترجیح یا انتخاب دسته سوم، ازدواج غیر ضروری با مستضعف جایز نیست؛ ولی ازدواج ضروری با غیر مستضعف جایز است؛ بنابراین نتیجه تا بدین جا چنین است: ازدواج غیر ضروری با کتابی چه مستضعف چه غیر آن جایز نیست و ازدواج ضروری با کتابی جایز است (مضمون دسته سوم)؛ در صورت عکس یعنی ترجیح یا انتخاب نتیجه سنجش دلیل اول و پنجم، حکم به جواز ازدواج غیر ضروری با مستضعف و عدم جواز ازدواج ضروری با غیر مستضعف می‌شود. پس نتیجه نهایی، عدم جواز ازدواج با غیر مستضعف و جواز ازدواج با مستضعف است (مضمون دسته پنجم)؛ در صورت قول به تساقط یا توقف نیز باید به دلیل‌های دیگر یعنی روایت‌های دسته دوم و چهارم که باقی مانده‌اند، مراجعه کرد؛ بنابراین نتیجه این است که ازدواج غیر ضروری با غیر مستضعف جایز نیست؛ ولی ازدواج ضروری با مستضعف جایز است؛ نسبت به ازدواج غیر ضروری با مستضعف و ازدواج ضروری با غیر مستضعف، باید به تحلیل رابطه دلیل دوم و چهارم پرداخت.

روش‌شناسی
حل «تعارضات
چندوجهی»

۲۹

تا بدین جا حکم مسئله براساس پذیرش قاعده تبعیض در حجیت بیان شد؛ اما چنانچه این قاعده مورد پذیرش نباشد، در صورت ترجیح یا انتخاب دسته سوم، یا به عکس تقدیم یا انتخاب نتیجه سنجش دلیل اول و پنجم، حکم مطابق دسته سوم یا دسته پنجم صادر می‌شود؛ که از این حیث مانند فرض‌های قبل است و در حکم تغییری ایجاد نمی‌شود؛ اما در صورت قول به تساقط یا توقف هیچ فرضی حکمش از روایت‌های اول، سوم و پنجم استخراج نشده و باید به بررسی رابطه دو دلیل دوم و چهارم پرداخته شود.

پس از مشخص شدن نتیجه سنجش سه دلیل اول، سوم و پنجم، نوبت به مقایسه نتیجه به دست آمده با دودسته دیگر یعنی دلیل دوم و چهارم می‌رسد. با توجه به اینکه پذیرش یا عدم پذیرش قاعده تبعیض در حجیت، تنها در فرض تساقط و توقف تأثیر در نتیجه داشت، در مقام عمل با چهار نتیجه متفاوت روبرو بوده و باید این نتیجه‌ها با دو دسته باقی مانده سنجیده شود.

رابطه دسته سوم با دسته دوم، عموم مطلق و با دسته چهارم عموم من وجه

است؛ اما با توجه به اینکه دسته دوم تقدم صدوری داشته و از امام باقر علیه السلام نقل شده است در برابر دسته چهارم که از امام رضا علیه السلام صادر شده است و همچنین دلالت آن نسبت به دسته دوم اظهر است؛ چون رابطه عام و خاص دارند، ابتدا این نتیجه با دسته دوم سنجیده می‌شود. پس حکم جواز ازدواج با کتابی مختص به فرض ضرورت می‌شود. نتیجه به دست آمده تغییری به لحاظ نسبت با دسته چهارم نداشته و رابطه همچنان عموم من وجه است؛ بنابراین باید براساس قاعده‌های باب تعارض به قضاوت بین آن‌ها نشست. در این فرض نیز چنانچه قاعده تبعیض در حجیت پذیرفته شود، حکم به جواز ازدواج موقت ضروری و عدم جواز ازدواج دائم غیر ضروری می‌شود؛ اما در ماده اجتماع یعنی ازدواج موقت غیر ضروری و ازدواج دائم ضروری بین دو دلیل تعارض برقرار است و مطابق ترجیح یا انتخاب دسته سوم، حکم به عدم جواز ازدواج موقت غیر ضروری و جواز ازدواج دائم ضروری می‌شود؛ در صورت عکس، حکم به جواز ازدواج موقت غیر ضروری و عدم جواز ازدواج دائم ضروری می‌شود؛ در صورت تساقت یا توقف نیز باید به اصل در مسئله مراجعه کرد.

بنابراین نتیجه نهایی براساس مبانی مختلف در باب تعارض یکی از سه نتیجه زیر است:

۱- ازدواج ضروری جایز است، ازدواج غیر ضروری جایز نیست؛ ۲- ازدواج موقت جایز است، ازدواج دائم جایز نیست؛ ۳- ازدواج موقت ضروری جایز است، ازدواج دائم غیر ضروری جایز نیست، نسبت به ازدواج موقت غیر ضروری و ازدواج دائم ضروری نیز باید به اصل در مسئله رجوع کرد. چنانچه قاعده احتیاط در فروج یا استصحاب عدم علقه زوجیت جاری شود، در این دو حالت ازدواج جایز نیست، در فرض جریان اصل براءت، ازدواج در این دو صورت جایز است.

اما اگر قاعده تبعیض در حجیت پذیرفته نشود، تقدیم هر طرف موجب سقوط طرف مقابل حتی در ماده افتراق می‌شود؛ بنابراین حکم نهایی مطابق دسته منتخب صادر می‌شود. پس در صورت ترجیح یا انتخاب دسته سوم، ازدواج با کتابی جایز نیست، مگر در فرض ضرورت؛ در صورت ترجیح یا انتخاب دسته چهارم، تنها

ازدواج موقت با کتابی جایز است؛ در صورت تساقط یا توقف، اصل در مسئله در تمام فروض جاری است؛ بنابراین در صورت رجوع به احتیاط یا استصحاب، ازدواج با کتابی به صورت مطلق جایز نیست و در صورت پذیرش اصل برائت، به صورت مطلق چنین ازدواجی جایز است.

احکام بیان شده مطابق ترجیح یا انتخاب دسته سوم و مقایسه آن با دو دسته دوم و چهارم بود؛ اما فرض و مبنای دیگر در مسئله این بود که دسته پنجم نتیجه نهایی سنجش سه دلیل اول، سوم و پنجم باشد. در این صورت باید گفت:

رابطه دسته پنجم نیز با دسته دوم، عموم مطلق و با دسته چهارم عموم من وجه است؛ اما با توجه به تقدم صدور دسته دوم و همچنین رابطه عموم مطلق آن با دسته پنجم ابتدا این نتیجه با دسته دوم سنجیده می شود. پس حکم جواز ازدواج با کتابی مختص به مستضعفین آنهاست. رابطه این نتیجه با دسته چهارم همان عموم من وجه است و تغییری در رابطه ایجاد نمی شود. در سنجش دلیل ها در این مرحله نیز اگر تبعیض در حجیت مورد قبول باشد، حکم ازدواج دائم با غیر مستضعف، عدم جواز و حکم ازدواج موقت با مستضعف، جواز است. نسبت به ازدواج دائم با مستضعف و ازدواج موقت با غیر مستضعف هم باید به قاعده های باب تعارض رجوع کرد. در صورت ترجیح یا انتخاب دسته پنجم، حکم به عدم جواز ازدواج موقت با غیر مستضعف و جواز ازدواج دائم با مستضعف می شود؛ در صورت عکس، حکم به جواز ازدواج موقت با غیر مستضعف و عدم جواز ازدواج دائم با مستضعف می شود؛ در صورت تساقط یا توقف نیز باید به اصل در مسئله مراجعه کرد.

بنابراین نتیجه نهایی براساس مبانی مختلف در باب تعارض یکی از سه نتیجه زیر است:

- ۱- ازدواج با مستضعف جایز است، ازدواج با غیر مستضعف جایز نیست؛ ۲-
- ازدواج موقت جایز است، ازدواج دائم جایز نیست؛ ۳- ازدواج موقت با مستضعف جایز است، ازدواج دائم با غیر مستضعف جایز نیست، نسبت به ازدواج موقت با غیر مستضعف و ازدواج دائم با مستضعف نیز باید به اصل در مسئله رجوع کرد. چنانچه قاعده احتیاط در فروغ یا استصحاب عدم علقه زوجیت جاری شود، در

این دو حالت ازدواج جایز نیست، در فرض جریان اصل برائت، ازدواج در این دو صورت جایز است.

اما اگر قاعده تبعیض در حجیت پذیرفته نشود، تقدیم هر طرف موجب سقوط طرف مقابل حتی در ماده افتراق می شود؛ بنابراین حکم نهایی مطابق دسته منتخب صادر می شود. پس در صورت ترجیح یا انتخاب دسته پنجم، ازدواج با کتابی جایز نیست، مگر با مستضعف آنها؛ در صورت ترجیح یا انتخاب دسته چهارم، تنها ازدواج موقت با کتابی جایز است؛ در صورت تساقط یا توقف، اصل در مسئله در تمام فروض جاری است؛ بنابراین در صورت رجوع به احتیاط یا استصحاب، ازدواج با کتابی به صورت مطلق جایز نیست و در صورت پذیرش اصل برائت، به صورت مطلق چنین ازدواجی جایز است.

سومین حالتی که در سنجش رابطه سه دلیل اول، سوم و پنجم مطرح بود، قول به تساقط یا توقف در ماده اجتماع نتیجه سنجش دلیل اول و پنجم با دلیل سوم است. نتیجه این سنجش عبارت بود از: عدم جواز ازدواج غیر ضروری با غیر مستضعف و جواز ازدواج ضروری با مستضعف که این دو حکم براساس ماده افتراق دو دلیل ثابت است؛ اما نسبت به ازدواج غیر ضروری با مستضعف و ازدواج ضروری با غیر مستضعف یعنی ماده اجتماع دو دلیل، باید به تحلیل رابطه دلیل دوم و چهارم پرداخت؛ چون حکم در صورت تساقط یا توقف دو دلیل متعارض، رجوع به دلیل دیگر در مسئله است و در صورت فقدان دلیل باید به اصل مراجعه کرد؛ اما با توجه به وجود دو دلیل دیگر در این باره یعنی دلیل دوم و چهارم نوبت به اجرای اصل نرسیده و باید براساس ادله موجود حکم را استنباط کرد.

با توجه به رابطه عموم مطلق دلیل دوم و چهارم اگر تخصیص در متوافقین پذیرفته نشود، حکم به جواز ازدواج در دو فرض اخیر یعنی ازدواج غیر ضروری با مستضعف و ازدواج ضروری با غیر مستضعف می شود؛ بنابراین نتیجه نهایی، جواز ازدواج با کتابی است؛ مگر در صورتی که ازدواج با غیر مستضعف و بدون ضرورت باشد که در این فرض ازدواج جایز نیست؛ اما اگر تخصیص در متوافقین پذیرفته شود، نتیجه سنجش دلیل دوم و چهارم جواز ازدواج موقت و عدم جواز ازدواج دائم با کتابی

است. پس ازدواج غیر ضروری با مستضعف و ازدواج ضروری با غیر مستضعف، چنانچه به صورت ازدواج دائم باشد، جایز نیست، اما اگر به صورت ازدواج موقت باشد، جایز است. نتیجه نهایی در این فرض چنین است: ازدواج غیر ضروری با غیر مستضعف جایز نیست؛ ازدواج ضروری با مستضعف جایز است؛ ازدواج غیر ضروری با مستضعف به صورت دائم جایز نیست، اما به صورت موقت جایز است؛ ازدواج ضروری با غیر مستضعف نیز به صورت دائم جایز نبوده؛ اما به صورت موقت جایز است.

چهارمین حالت مطرح در مسئله، مربوط به مبنای عدم پذیرش قاعده تبعیض در حجیت است. در این حالت با توجه به تعارض نتیجه سنجش دلیل اول و پنجم یا دلیل سوم و قائل شدن به تساقط یا توقف در فرض تعارض، هر دو دلیل در ماده افتراق و ماده اجتماع از حجیت و اعتبار ساقط شده باید با توجه به وجود دلیل های دیگر در مسئله به آنها مراجعه کرد. لذا تنها دلیل های باقی مانده، دلیل دوم و چهارم خواهند بود. حال اگر در متوافقیین تخصیص پذیرفته شود، تنها جواز ازدواج موقت با کتابی جایز است و ازدواج دائم با او به صورت مطلق جایز نیست؛ اما چنانچه تخصیص در متوافقیین پذیرفته نشود، باید قائل به جواز ازدواج با کتابی به صورت مطلق شد که این جواز در ازدواج موقت همراه با تأکید بیشتری است.

روش‌شناسی
حل «تعارضات
چندوجهی»

نتیجه‌گیری

باتوجه به تطبیق سه شیوه حل تعارض مشهور، انقلاب نسبت و نظریه حل تعارضات چندوجهی، در روایات مربوط به ازدواج با کتابی، این نتیجه به دست می‌آید که بهترین روش حل تعارضات در بیش از دو دلیل، سومین روش ارائه شده است؛ چون روش مشهور مبتلای به اشکال تعارض نتایج و تسلسل و روش انقلاب نسبت مبتلای به اشکال تعارض و ترجیح بلامرجح در دست‌یابی به نتیجه نهایی و فتوای فقهی است. اما مطابق نظریه حل تعارضات چندوجهی، فقیه با طی سیری منطقی در نسبت‌سنجی بین ادله متعارض، به یک نتیجه مشخص و واحد خواهد رسید.

منابع

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). **کفایة الأصول**. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲. آشتیانی، محمود. (بی تا). **حاشیة علی درر الفوائد**. قم: مؤلف.
۳. اراکی، محمد علی. (۱۳۷۵). **أصول الفقه**. قم: مؤسسه در راه حق.
۴. اراکی، محمد علی. (۱۴۱۳ق). **رسالة فی الخمس**. قم: مؤسسه در راه حق.
۵. اسماعیل پور، محمد علی. (۱۳۹۵ق). **مجمع الأفكار و مطرح الأنظار (تقریرات درس میرزا هاشم آملی)**. قم: المطبعة العلمية.
۶. اصفهانی، محمد حسین. (۱۳۷۴ق). **نهاية الدراية فی شرح الكفاية**. قم: سيد الشهداء علیه السلام.
۷. انصاری، مرتضی. (۱۴۲۸ق). **فوائد الأصول**. قم: مجمع الفكر الإسلامی.
۸. تقوی اشتهاردی، حسین. (۱۴۱۸ق). **تنقیح الأصول**. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی رحمه الله.
۹. جابلقی، محمد شفیع. (بی تا). **القواعد الشریفة**. قم: مؤلف.
۱۰. حائری یزدی، عبدالکریم. (۱۴۱۸ق). **درر الفوائد**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۱. حسینی شیرازی، صادق. (۱۴۲۷ق). **بیان الأصول**. قم: دار الأنصار.
۱۲. حکیم، عبدالصاحب. (۱۴۱۳ق). **منتقى الأصول (تقریرات درس محمد روحانی)**. قم: دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی.
۱۳. حیدری، علی نقی. (۱۴۱۲ق). **أصول الاستنباط**. قم: لجنة إدارة حوزة العلمية.
۱۴. خمینی، روح الله. (۱۴۱۰ق). **الرسائل**. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۵. خویی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). **أجود التقریرات (تقریرات درس محمد حسین نائینی)**. قم: مطبعة العرفان.
۱۶. روحانی، سید صادق. (۱۴۱۲ق). **فقه الصادق علیه السلام**. قم: دارالکتاب.
۱۷. سبزواری، محمد باقر. (۱۴۲۳ق). **کفایة الأحكام**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. شاکری، بلال و فخلعی، محمد تقی و حائری، محمد حسن. (۱۴۰۲). «تحلیل فقهی نجس شدن آب کرو و قلیل بر اساس ضوابط نسبت سنجی منطبق بر نظریه انقلاب نسبت»، **فقه**، سال ۳۰، شماره ۱۱۴.
۱۹. شاکری، بلال و فخلعی، محمد تقی و حائری، محمد حسن. (۱۳۹۹). «ماهیت انقلاب نسبت (نگاهی نو به روش شناسی ملا احمد نراقی در حل تعارضات)»، **پژوهش های اصولی**، سال ۷، شماره ۲۴.

روش شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۱
بهار و تابستان ۱۴۰۴
۳۴

۲۰. شاکری، بلال و فخلعی. (۱۳۹۹). «محمدتقی، واکاوی قاعده تبعیض در حجیت»، **جستارهای فقهی و اصولی**، شماره ۱۸.
۲۱. شاکری، بلال. (۱۳۹۷). «بازخوانی مبانی مؤثر در نظریه انقلاب نسبت»، **فقه و اصول**، شماره ۱۱۵.
۲۲. شاکری، بلال. (۱۳۹۶). «ضابطه‌مندسازی نظریه انقلاب نسبت»، **جستارهای فقهی و اصولی**، شماره ۶.
۲۳. صافی، لطف‌الله. (۱۴۲۸ق). **بیان الأصول**. قم: دایرة التوجیه والارشاد الدینی فی مکتب المرجع الدینی آیت‌الله‌العظمی الشیخ لطف‌الله الصافی الکلیاگانی.
۲۴. طباطبایی قمی، سیدتقی. (۱۳۷۱). **آراؤنا فی أصول الفقه**. قم: محلاتی.
۲۵. طوسی، محمدبن‌الحسن. (۱۳۹۰ق). **الإستبصار فیما اختلف من الأخبار**. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۶. طوسی، محمدبن‌الحسن. (۱۴۰۷ق). **تہذیب الأحکام**. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۷. عاملی، سیدجواد. (۱۴۱۹ق). **مفتاح الکرامۃ فی شرح قواعد العلّامہ**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. عبدالساتر، حسن. (۱۴۱۷ق). **بحوث فی علم الأصول**. بیروت: الدار الإسلامية.
۲۹. عراقی، ضیاء‌الدین. (۱۴۲۰ق). **مقالات الأصول**. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۳۰. فرحی، سیدعلی. (۱۳۸۶ق). **تحریر الأصول (تقریرات درس میرزاهاشم آملی)**. قم: مکتبة الداوری.
۳۱. قدسی، احمد. (۱۴۲۸ق). **أنوار الأصول**. قم: مدرسة الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۲. قمی، غلامرضا. (۱۴۲۸ق). **قلائد الفرائد**. قم: مؤسسه میراث نبوت.
۳۳. کاظمی خراسانی، محمدعلی. (۱۳۷۶). **فوائد الأصول (تقریرات درس محمدحسین نائینی)**. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. کرباسی، محمدابراهیم. (بی‌تا). **إشارات الأصول**. بی‌جا، بی‌نا.
۳۵. لجنة تألیف القواعد الفقهیة والأصولیة التابعة لمجمع فقه اهل البيت علیهم السلام. (۱۴۲۷ق). **قواعد أصول الفقه علی مذهب الإمامیة**. قم: مرکز الطباعة والنشر.
۳۶. موسوی قزوینی، سیدابراهیم. (۱۳۷۱ق). **ضوابط الأصول**. قم: مؤلف.
۳۷. مؤمن قمی، محمد. (۱۴۱۹ق). **تسدید الأصول**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۸. میرزای قمی، ابوالقاسم. (۱۴۳۰ق). **قوانین المحکمة فی الأصول**. قم: أحياء الكتب الإسلامية.

۳۹. نراقی، احمد. (۱۳۷۵). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام و مهمات مسایل الحلال والحرام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۰. واعظ حسینی بهسودی، محمد سرور. (۱۴۲۲ق). مصباح الأصول (تقریرات درس ابوالقاسم خویی). قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۴۱. هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الأصول (تقریرات درس سید محمد باقر صدر). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.